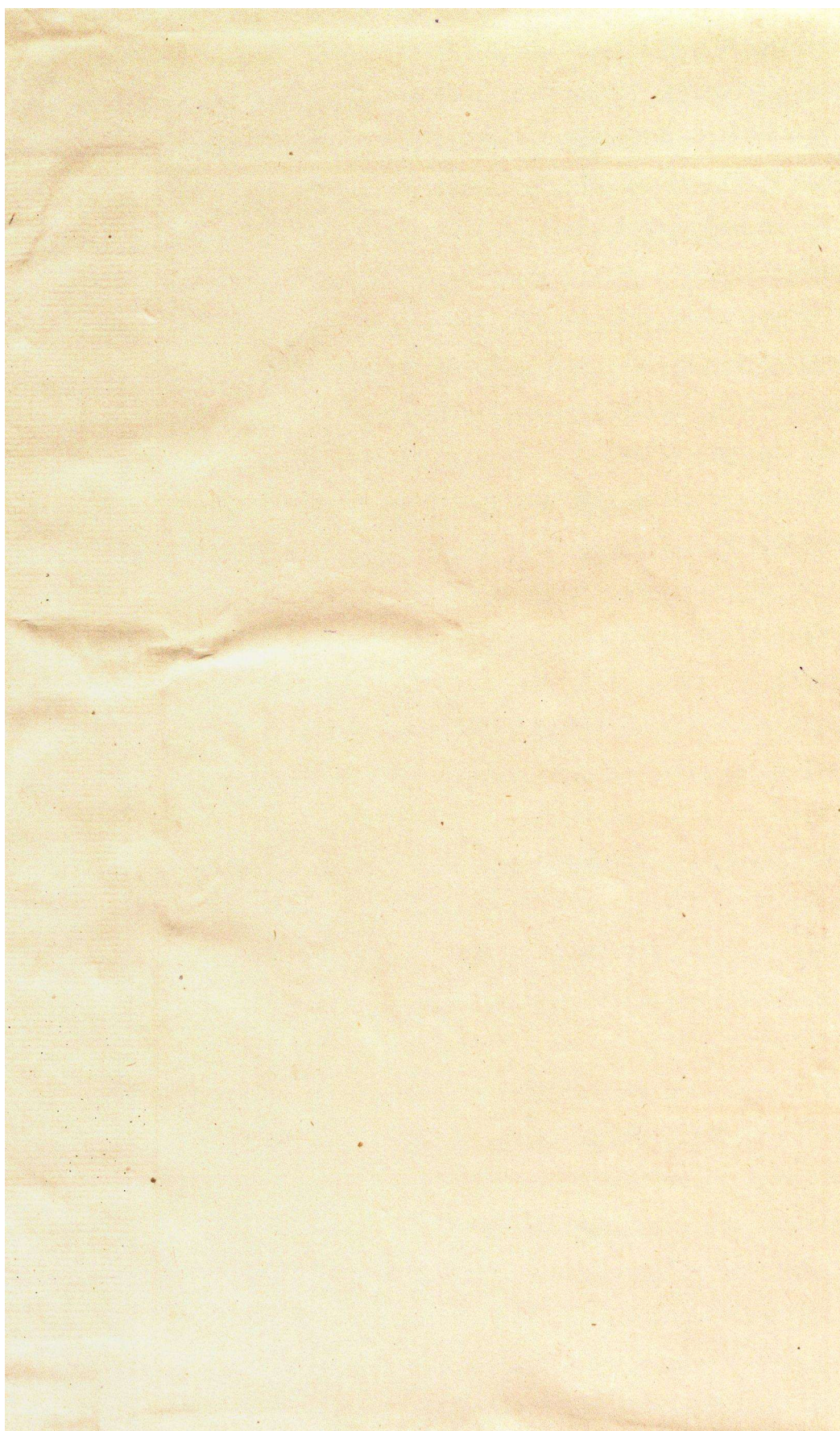




954.0258

T161

EXTRACTED







مجله

کتابخانه
۶۲
تاریخ فارس

در آن روز هفتاد و هشت سال جوانی آنحضرت در آن باغ مطهر و صدیق و امیر و شاکر و
 دم مساوت باغ بهارین میزد و شریعت پرده موسم خزان فرا میوش کرده بی اختیار برآ
 و چون کل و میوه دست مبارک دراز کردند و نایب احوال بر حقیقت کار واقف شده
 بسیار خوشنود گشتند و بر صنایع و بدایع کاریکران و تجویز و تمیز آن عفت نشان آفریننده
 با صنایع بکلیه و انعام سفر از فرمودند و از آنجا بدار الحکمت و حکمت در بیان ولادت سعاد
 سلطان و در سبب بنیاد آن پادشاه خرم سببش ازین درج هم سراجی قدسی با پادشاه سعاد
 حکیم و عفت قباب ممتاز نسبت الصغیران نوزدهم صفر سال دهم جلوس و الله سلطان دارا
 شکوه و چهارم جمادی الاول سال یازدهم سلطان محمد شجاع به عالم وجود آمده بود و در بیست و یکم
 محرم حجت از کجرات در مقام حوالی موضع دهر و جنب مکتب هزاردهم این ماه الهی مطابق
 یازدهم شهریور تقویم شمس و نیمت و اوس موافق شمس هجری سلطان محمد اوزنگ
 زین سعاد ولادت یافت از طلوع آن آنحضرت صدف و نزاران انبساط بفضیلت از کار
 و در آن روز که بزرگواران کوه و درج سلطنت فرزان نشاط فرین حال بدید و الله اقتدار
 کثرت در بارگاه مقدس نرم عیش و عشرت آراسته و بیس فرخ و منرت پیراسته شد
 و کوس شادی ملذذ آوردن کردید و وطنه مبارکبادی از طرف در رسید بطن طراز
 که آن تا کران کشیده آمد و نوری از غنچون بهشت از زبان معاد و کبار برآید نهال آفاق
 خیر خواهان سر بلند گرفت و ادای امید خلافت نصارت پذیرفت و ایون ذاتی که ازین وجود
 مبارکش ناپدید نرزم سر در آراسته ساز بهجت نواخت فرخنده و صلی که از برکات داشت
 و در یک صفایش جوید در دره شرف ریاست افتخار بلند ساخت بنمود و رخ
 از جمیع امیران خدایا که شکرش کل خورشید رفته اند بکناده اند اهل ادب و عفت

آواز و دادند که گفته اند کلبانک بهمت سنده از هر طرف بلند و لها و غیش چون
 کل خندان شکفته اند اختر شاسان فکرت بلند و در صراط دامن رصده بند
 که در استخراج توهم و تخریج احکام مهارت عظیم دارند لکن کلبانک هم و خود کوکب رخ
 سیر افلاک عموده در شخیص زمان سعادت و تحقیق وقت ولادت با معان نظر المعان فکر
 زایه عالم مولود درست نمون از طلوع و غروب کوکب و شرف و بهبوط نجم و انوار
 اختران با یکدیگر و نظرات سیارگان با خود و تقاصیل و فایده احکام و شرح
 صفای انوار از طول و بقا و طول و افتاب مدارج سلطنت و مدارج خلقت که در پیش
 نمودند طالع عالم سنده بیکو همچون اختری منظم شده ملک و دین و لاکوهری
 معقبضای خجسته اختری انوار کج مندی و طالع ملذبی از ناصیه عال پیدا و از فرج
 نایج ولادت با سعادت از لفظ عالمنا ^{انجمن} با هر پدرا اکنون که این نسخه تخریر میرود در آید
 آن خورشید اوج اقبال و درخشنده کوکب بهج ماه و طلال و زیب بودنک غله و غنیمت
 هندوستان است الهی فرودان سال رحمت بخش سر بر جهان بنایه و رونق لایه ای
 شنایه باد یکی غنچه از باغ دولت و میرد کز انسان کل چشم کیتی ندید در کار
 سر آمدن جاه و بخار و دین هر آه جهانگیر آمد و لایه
 در سال چهاردهم جلوس و الاراکبر آباد ناله مور در شاه سل بمبافت هرگز و هر منیار
 بلند کرده کدران و ایل راه بوم باشند و دره کرده چاه بخته که سفر کریمان از آب آرا
 فیضیاب شوند و بیکو بوبه درسته درخشان کرده اریان از طلال آن تالیش و از
 انهاران جلالت بایند مغرکشت اگر درسته درخشان در راه و از غنای شمع
 اخلاص است اما در عهد دولت حضرت خاقان زمان رود و این زمان بافت حربه